

**آسیب‌شناسی اخلاق سیاسی مدیران در اندیشه و سیره امام علی (علیه السلام)  
با تأکید بر نهج البلاغه**

صابر صافی لو\* / محمد حسین صائینی\*\* / حسین مرادی زنجانی\*\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۴

**چکیده**

شرایط و مقتضیات سیاسی در هر عصری ایجاب می‌نماید که محققان در پی پاسخگویی به مسائل و مشکلات زمانه خود برآیند و این پژوهش نیز، با ارائه تصویری از اندیشه سیاسی بلند امام علی (علیه السلام) و عملکرد ایشان در ارتباط با مردم، در صدد پی بردن به سیره علوی در عرصه سیاست عصر امروز می‌باشد. از آن جا که سیاست، عرصه‌ای آفت‌خیز است که اگر با حراست نفس و حاکمیت اخلاق همراه نباشد، مدیران و کارگزاران جامعه را در دام آسیب‌های اخلاقی گرفتار می‌نماید؛ لذا سعی بر این شده تا با الهام از کلام امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه، دریچه‌ای نو به سوی مدیران جامعه، جهت شناخت آسیب‌های اخلاقی در عرصه سیاست و اجتماع، و تلاش در رفع این آسیب‌ها، گشوده شود. روش مطالعه در این پژوهش، توصیفی — تحلیلی بر اساس رویکرد کتابخانه‌ای بوده است. در این پژوهش تنها سه متغیر تأثیرگذار در جامعه؛ یعنی ظلم و بی‌عدالتی، خشونت‌ورزی، دروغ‌گویی و فریب‌کاری، از منظر نهج البلاغه مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است که محصول این آسیب‌ها در جامعه، به وجود آمدن شرایط نامساعد اجتماعی و اقتصادی بوده که نه تنها سرمایه اجتماعی یعنی بی‌اعتمادی مردم را نسبت به حکومت دینی فراهم می‌کند، بلکه مشروعیت نظام سیاسی را نیز، خدشه‌دار می‌نماید.

sabersafiloo@gmail.com

\* دانشجوی دکترا دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان .

\*\* استادیار گروه عرفان اسلامی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران (نویسنده مسئول).

mhsaieni@gmail.com

info@nasayehpu.ir

\*\*\* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

## ۱. مقدمه و بیان مسأله

اصولاً هر نظام سیاسی که پا به عرصه وجود می‌گذارد، ممکن است با آفت‌ها و آسیب‌های مختلفی مواجه شود که نه تنها از کارایی نظام بکاهد، بلکه ممکن است اصول و اساس نظام سیاسی را تهدید نماید که در صورت علاج ننمودن، نظام سیاسی را با نابودی مواجه سازد. لذا بحث اخلاق سیاسی و اجتماعی در تمام حکومت‌های دینی و غیر دینی از مهم‌ترین مسائل اخلاق مدیریتی می‌باشد و آسیب دیدن این بخش، آسیب‌رسانی به کل جامعه خواهد بود. قرار گرفتن مدیران در رأس هرم قدرت و حکومت، و سلامت روحی و روانی آنان، آبادانی، امنیت و آسایش را برای جامعه به ارمغان می‌آورد؛ ولی در مقابل، دچار شدن آنان به آسیب‌ها و آفات اخلاقی، پایه‌های دولت و حکومت را متزلزل می‌سازد و آرامش مردم را نیز به مخاطره می‌اندازد و حتی دین و ایمان مردم را نیز، دچار خدشه می‌نماید؛ لذا برای رهایی از این آسیب‌ها و آفت‌های اخلاقی، لازم می‌آید به اسوه و الگویی که لغزش در آن راه ندارد، پناه برده شود و آن کلام امام علیه السلام در نهج البلاغه است که می‌تواند راهگشای زندگی انسان‌ها به خصوص در امر مدیریت و سیاست باشد. «بی هیچ تردید، نهج البلاغه، دارای روشن‌ترین علائم و نشانه‌های اصول سیاست است. حضور امام در شاهراه واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی اسلام و منصوب شدنش از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله به امامت و تصدی مادی و معنوی امور مسلمین و سپس پدید آمدن مسائل مربوط به خلافت در جامعه اسلامی، موجب شکل‌گیری مباحثی در نهج البلاغه شده است که درنگ و تأمل در آن‌ها، می‌تواند ما را با اصول سیاست از منظر اسلامی پیوند دهد» (فیضی، ۱۳۹۳: ۱۳۰). شناخت و بازکاوی اندیشه‌های سیاسی حضرت علی علیه السلام که وارث يك نظام سیاسی و اقتصادی فاسد به تمام معنا بود؛ ولی توانست در مدتی کوتاه يك دستگاه اداری سالم را پایه ریزی نماید و تحولی بزرگ در تاریخ را بوجود آورد، می‌تواند چراغ‌راهی به روی تمام حکومت‌ها بگشاید که بتوانند با الهام از نظریه‌های علوی، یک نظام اداری سالم را پایه‌ریزی نمایند. این پژوهش، تلاشی است که با اتکای به مبانی فکری - سیاسی حضرت امیر علیه السلام در نهج البلاغه، عمده‌ترین آسیب‌های اخلاق سیاسی را شناسائی، و راهکارهای مواجهه با آن آسیب‌ها را بر اساس آموزه‌های علوی تبیین و بازبینی نماید. بنابراین سوال اصلی پژوهش این است که؛ شاخص‌ترین آسیب‌های اخلاق سیاسی در اندیشه و سیره علوی علیه السلام در عصر امروز چه مواردی هستند؟ و عوامل پیدایش و راه‌های درمان آنها چیست؟

برای پاسخ به این سؤال پژوهش، از یک چارچوب و الگوی که مرحوم محقق نراقی در کتاب معراج السعاده (۱۳۸۴) از آن استفاده نموده، بهره گرفته شده است. بنابراین براساس الگوی معرفی شده، نخست به مشاهده بحران و بی‌نظمی در جامعه پرداخته، آنگاه علل و اسباب بی‌نظمی و بحران در جامعه مورد تشخیص و شناسایی قرار گرفته و در نهایت به ارائه راه‌حل برای بیرون راندن بحران و حاکم نمودن آرمان در جامعه پرداخته شده است.

#### ۱-۱. ضرورت و اهمیت

متأسفانه جهان قرن ۲۱، دستخوش بحران‌های سرنوشت‌سازی است که بر تمام قلمروهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بشر سایه افکنده است. اخلاق در دوران پیشرفت علم و صنعت، به‌خصوص در جهان غرب، «حلقه مفقوده‌ای» است که خود به آن اعتراف دارند، و سر منشأ اصلی انحطاط اخلاقی در هر جامعه‌ای، حکومت ناصالحان بر امور کشورهاست. متأسفانه در حکومت‌های اسلامی نیز، شاهد انحطاط اخلاقی در جامعه، به خصوص انحطاط اخلاق سیاسی مدیران هستیم که سلامت فرد و جامعه را به خطر انداخته است. در اندیشه علوی، از آن‌جا که مردم از رفتار حاکمان خود الگو می‌گیرند:

«النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۰ق: ۲۰۷).

لذا اگر زمامداران جامعه صالح نباشند و یا اصلاح نشوند اصلاح جامعه را نیز نباید انتظار داشت:

«فَلَيْسَتْ تَصْلُحُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِصَلْحِ الْوَلَاةِ» (خطبه ۲۱۶).

در اندیشه سیاسی نبوی نیز، اصلاح و یا افساد جامعه، در دستان دو گروه می‌باشد که در حدیثی می‌فرمایند:

«صِنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلِحَا صَلِحَتْ أُمَّتِي وَإِذَا فَسَدَا فَسَدَتْ أُمَّتِي قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ هُمَا قَالَ

الْفُقَهَاءُ وَالْأُمَرَاءُ» (ابن بابویه، ۱۴۲۹ق، ج ۱: ۳۶).

دو گروه از امت من هستند، زمانی که صالح باشند، امت من صالح می‌شوند و زمانی که فاسد باشند، امت من فاسد می‌شوند. گفته شد: یا رسول الله ﷺ، آن‌ها چه کسانی هستند؟ فرمودند: عالمان و حاکمان.

لذا با تدبیر و تأمل در احادیث نبوی و کلام گهربار نهج البلاغه، چنین برداشت می‌شود که: سر منشأ اصلی گسترش فساد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در جامعه، در حکمرانی افرادی سراسر غرق در فساد

اخلاقی می‌باشد و از این جا می‌توان به اهمیت و ضرورت توجه به ارزش‌های اخلاقی در میان مردم و در مرتبه بالاتر، در میان حاکمان و مدیران جامعه پی برد. امروزه بیش از هر زمانی، شناخت انحرافات و رهایی انسان‌ها از دام این وسوسه‌های شیطانی، باید در اولویت کارها باشد و دانشمندان و علمای اخلاق و سیاست در این موضوع، قلم‌فرسایی نمایند؛ زیرا سلامت یا انحراف جامعه در گرو عملکرد حاکمان و مدیران جامعه است و آنان همچون رودخانه پهناوری هستند که رودهای کوچک از آن‌ها منشعب می‌شوند و هر گاه این رودخانه پهناور گل‌آلود و کثیف شود، رودهای کوچک نیز کثیف و گل‌آلود خواهند شد.

#### ۱-۲. پیشینه تحقیق

به نظر می‌آید تا زمان افلاطون و ارسطو، نظریه مدوئی در زمینه جایگاه اخلاق در سیاست ارائه نشده باشد، لذا تئوری‌های این دو فیلسوف بزرگ، در چگونگی تشکیل حکومت و اداره شهرها و جایگاه اخلاق در آن، از اولین نظریه‌های مدوئن در این زمینه، محسوب می‌گردد.

آریستوکلس<sup>۱</sup> معروف به افلاطون (متولد ۴۲۸ ق) در کتاب جمهور خود که مباحثات خود و دیگران با سقراط را به تصویر می‌کشد در کتاب اول و دوم کتاب جمهور، به صحبت عدالت می‌پردازد و نظر سقراط را در همین زمینه این چنین بیان می‌دارد که: «عدالت از زیننده‌ترین خواستنی‌هاست که هم به خاطر خود و هم به مناسبت نتایجی که از آن عاید می‌شود مطلوب جویندگان سعادت می‌باشد» (افلاطون، ۱۳۷۴: ۹۲). ایشان از ظلم به عنوان بزرگ‌ترین عیب و از عدل به عنوان بزرگ‌ترین صفت نفس انسانی یاد می‌کند (افلاطون، ۱۳۷۴: ۹۲). ارسطو (متوفی به سال ۴۳۲ قبل از میلاد)، بنیانگذار مکتب مشائی (راهروئی) در یونان باستان است که بیشتر وقت خود را به پژوهش گذرانده و بخشی از عمر خود را در مسائل مدیریتی سپری نموده و کتاب سیاست خود را در این زمینه به رشته تحریر درآورده است. ایشان در کتاب هفتم می‌نویسد: «فضائل را با سرمایه‌های مادی نمی‌توان به دست آورد و برعکس به یاری فضیلت می‌توان بر سرمایه‌های مادی دست یافت» (ارسطو، ۱۳۷۱: ۲۸۴). و در کتاب سوم خود می‌نویسد: «در سیاست، نیکی جز دادگری نیست که صلاح عامه بدان وابسته است... و به گمان ما دادگری، فضیلتی اجتماعی و زاینده همه فضائل دیگر است» (ارسطو، ۱۳۷۱: ۱۳۲). در ارتباط با آسیب‌شناسی اخلاق سیاسی مدیران، به صورت عمومی و کلی چند مقاله بیشتر در این زمینه به رشته تحریر در نیامده است و

1. Aristocles

هر کدام از نویسندگان، از زاویه‌ای به موضوع آسیب‌شناسی پرداخته‌اند و چند متغیر مهم را از دیدگاه نهج البلاغه مورد بحث قرار داده‌اند از جمله مقاله مجتبی فائق (۱۳۹۳) با عنوان: آسیب‌شناسی اخلاق سیاسی کارگزاران حکومت از دیدگاه نهج البلاغه، چاپ شده در فصلنامه پژوهش‌های نهج‌البلاغه شماره ۴۳، که مهمترین مصداق‌های مورد توجه و تأکید امام علی (علیه السلام) را در نهج‌البلاغه از جمله: سازشکاری، وابستگی به بیگانگان، دنیاطلبی و بی‌توجهی به اصل مشورت را مورد بررسی قرار داده است که تا حدودی این مقاله از لحاظ ساختاری، با مقاله پیش‌رو یکسان می‌باشد و مقاله دیگر در این زمینه، آسیب‌شناسی اخلاق سیاسی - اجتماعی مسئولان از دیدگاه نهج‌البلاغه که توسط سمیه بصیری (۱۳۹۱) نوشته شده که ایشان به جای پرداختن به اصول سلبی اخلاق کارگزاران، اصول ایجابی از جمله: عدالت، بردباری و مدارا، ساده زیستی و امانتداری را مورد بررسی قرار داده است، و سومین مقاله در این زمینه، توسط قدرت اله رضایی (۱۳۸۹) چاپ شده در فصلنامه پژوهشی در اخلاق، شماره ۷ و ۸، می‌باشد که آسیب‌هایی که به بعد سلوک سیاسی کارگزاران مربوطند از جمله: قدرت‌طلبی، استبداد و خودکامگی، مدهانه و سازشکاری، ایجاد اختناق و ... مورد بررسی قرار داده و راهکارهای درمان آن‌ها را نیز بیان نموده است. بررسی این آثار نشان می‌دهد که اولاً، مهمترین آسیب‌ها، که جامعه امروزی و حتی جامعه جهانی گرفتار آن است مورد بررسی قرار نگرفته و مغفول مانده است و در بعضی از مقالات نیز، از منابع اصیل روایی بهره گرفته نشده است؛ لذا این پژوهش با نگاه و با زاویه دید دیگر، درصدد آسیب‌شناسی موضوع اخلاق سیاسی مدیران بوده تا بتواند برای مدیران جامعه امروزی راهکار عملی جهت خروج از بن‌بست‌های اخلاق سیاسی ارائه دهد.

## ۲- تبیین بحث

### ۱-۲. مفهوم شناسی

از قدیم لفظ آسیب<sup>۱</sup> در علم پزشکی مورد استفاده قرار گرفته است، و اول کسی که واژه آسیب را در حوزه تفکر دینی به کار برده، شهید مطهری می‌باشد: «آسیب‌شناسی دینی، یعنی شناخت آسیب‌ها و اشکالاتی که بر دین و معرفت دینی و دین‌داری و ... وارد شده یا ممکن است وارد بشود» (دژاکام، ۱۳۷۷، ج ۱: ۶). به نوشته لغت‌نامه آکسفورد (۱۳۸۴)، مدخل pathology)، «آسیب از بی‌نظمی و اختلال ساختاری و فکری ناشی می‌شود». مروری بر خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمات قصار امام علی (علیه السلام) در

1. Phathology



نهج البلاغه و دیگر کلمات امیرمؤمنان علیه السلام در کتاب‌های دیگر، به ریشه‌های مختلفی که به امر آسیب اشاره دارد، برمی‌خوریم که از آن جمله ریشه «دبر» و «زوال» که هر دو به معنای از بین رفتن و زوال می‌باشد و همچنین واژه «آفت» که در موارد بسیاری از کلام امام علی علیه السلام در نهج البلاغه و کتاب‌های دیگر مشاهده می‌شود.

«آفة الملوك سوء السيرة» (خوانساری، ۱۳۷۳، ج ۳: ۱۰۲).

آفت پادشاهان، سیرت (اخلاق) بد است.

در کتاب‌های لغت درباره معنای لغوی و اصطلاحی سیاست آمده است که: «سیاست» از ماده «سوس» گرفته شده است که به معنای ریاست، و خُلُق و خو و طبع می‌باشد (ابن فارس، ۱۳۸۹، ج ۳: ۱۱۹). و در اصطلاح عبارت است از: «السِّيَاسَةُ اسْتِصْلَاحُ الْخَلْقِ بِإِرْشَادِهِمْ إِلَى الطَّرِيقِ الْمَنْجِي فِي الْعَاجِلِ وَالْآجَلِ» (طریحی ۱۳۷۸ق، ج ۴: ۷۸). همت گماشتن به اصلاح مردم با ارشاد و هدایت آنان به سوی راه نجات در دنیا و آخرت. و سیاست به معنای حقیقی عبارت است از: «مدیریت و توجیه و تنظیم زندگی در مسر حیات معقول» (جعفری، ۱۳۷۳: ۴۷). مراد از اخلاق سیاسی، «پایبندی انسان به اخلاق در امور سیاسی» است یعنی مجموعه‌ای از حالات و افعال انسان در برخورد با پدیده‌ای به مانند قدرت و حکومت. همان طوری که انسان ملزم به رعایت اخلاق در امور فردی است، در امور سیاسی نیز، ملزم به رعایت اخلاق می‌باشد و در اندیشه سیاسی امام علی علیه السلام هدف در حکومت، هدایت مردم به سوی سعادت است و این، جز با پایبندی کارگزاران به اصول اخلاقی در سیاست، ممکن نخواهد بود.

## ۲-۲. عمده‌ترین آسیب‌ها و آفات اخلاق سیاسی مدیران

با مروری بر خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه، در خصوص آسیب‌ها و آفات در حوزه سیاست، می‌توان به مواردی چون؛ قدرت‌زدگی، دنیازدگی، سازشکاری، استبداد، ستمگری، دروغگویی، استثمار و استتثار، ریاکاری و ... اشاره نمود که در بیانات امام علی علیه السلام به انواع مختلف، این آسیب‌ها به مردم و مسئولان حکومتی گوشزد شده و خود پرچمدار مبارزه با این آسیب‌ها نیز شده است. آن چه در عصر امروز، جامعه و حکومت اسلامی ما، متأثر از این آسیب‌هاست می‌توان به عمده‌ترین آن‌ها در عرصه سیاست، یعنی ظلم و بی‌عدالتی، خشونت‌ورزی و دروغگویی مسئولان حکومتی اشاره نمود، که در این پژوهش، با استناد به کلام گهربار حضرت در نهج البلاغه مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد:

### ۲-۲-۱. ظلم و بی‌عدالتی، مهمترین بحران در جامعه

از آسیب‌های جدی اخلاق سیاسی مدیران، بلکه از اعظم آن‌ها، ظلم و ستم بعضی از مدیران جامعه به مردم به جای عدالت‌ورزی است. امام علی (علیه السلام) عدل را مانند بسیاری از لغت‌شناسان، قرار دادن هر چیزی در محل خود معنا می‌نماید و آن را از جود و بخشش برتر می‌داند (حکمت/۴۳۷). و در مقابل آن ظلم قرار دارد، و ظلم را قرار دادن هر چیزی در غیر محل خود معنا نموده‌اند: «الظُّلْمُ وَضَعُ الشَّيْءِ فِي غَيْرِ مَوْضِعِهِ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق. : ۵۳۷). در آموزه‌های دینی، به شدت از ظلم و ستمگری نهی شده است؛ چرا که ظلم، سرزمین‌ها را به نابودی می‌کشاند: «الظُّلْمُ يُدْمِرُ الدِّيَارَ» (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۵۶). در تعالیم علوی، ظلم به مردم، پست‌ترین رذایل (خوانساری، ۱۳۷۳، ج ۱: ۲۰۲). محو‌کننده تمام ارزش‌ها (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۵۶). و از بزرگترین گناهان است (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۹۷). که پیامدهای مهلک دارد (آمدی، ۱۳۶۶: ۸۷۵).

### ۲-۱-۱. علل و انگیزه‌های ظلم و ستم مدیران

هر پدیده‌ای در جامعه، نیازمند علتی است و برای این رذیله اخلاقی نیز، عوامل متعددی تأثیرگذار می‌باشند که از دو منظر درونی و بیرونی قابل بررسی است: از جنبه درونی می‌توان به ضعف ایمان به خدای یگانه و روز قیامت، و پیروی از هوای نفس و از جنبه بیرونی می‌توان به قدرت و استفاده افراطی از آزادی اشاره نمود:

**الف) عوامل تأثیرگذار درونی:** علمای اخلاق در کتاب‌های خود بیان نموده‌اند که باعث این ظلم و ستم کارگزاران، اگر عداوت و کینه باشد از نتایج قوه غضبیه خواهد بود و اگر موجب آن، حرص و طمع در مال باشد از جمه رذایل قوه شهویه محسوب خواهد شد (نراقی، ۱۳۸۴: ۳۷۹). اما به نظر می‌رسد اولین عامل تأثیرگذار درونی در اندیشه علوی، ضعف ایمان بعضی از مدیران و کارگزاران جامعه به خدای یگانه و حساب‌رسی به اعمال در روز قیامت می‌باشد. حضرت امیر در نامه‌ها و دستورالعمل‌های حکومتی، کارگزاران خود را به توجه بخشیدن به حضور و ناظر حقیقی و پایبندی به اصول اخلاق اداری و پرهیز از ظلم و تجاوز به حقوق مردم فرا می‌خواند (نامه/۵۳). و خود درباره علت پرهیز از ستمکاری چنین می‌فرماید: «سوگند به خدا! اگر تمام شب‌ها را بر روی خارهای سعدان به سر ببرم و یا با غل و زنجیر به این سو و آن سو کشیده شوم، خوش دارم تا خدا و پیامبرش (صلی الله علیه و آله) را در روز قیامت، در حالی ملاقات کنم که به بعضی از بندگان ستم کرده و چیزی از اموال عمومی را غصب کرده باشم. چگونه بر کسی ستم کنم برای نفس خویش که به سوی کهنگی و پوسیده شدن پیش می‌رود و در خاک، زمانی طولانی اقامت

می‌کند؟» (خطبه / ۲۲۴). از این کلام امام (علیه السلام) برداشت می‌شود که علت اصلی ظلم و ستم به بندگان خدا، از ضعف ایمان به خدا و معاد نشأت می‌گیرد، و کسی که به آخرت و حساب‌رسی ایمان داشته باشد هرگز ستمگری روا نمی‌دارد. دوّمین عامل تأثیرگذار بر ستمگری در اندیشه علوی، پیروی از هوای نفس است که مدیران را از اجرای عدالت باز می‌دارد «فَإِنَّ الْوَالِيَّ إِذَا اخْتَلَفَ هَوَاهُ مَنَعَهُ ذَلِكَ كَثِيرًا مِنَ الْعَدْلِ» (نامه / ۵۹). و کسی که فریب هوای نفس را بخورد در واقع شقاوتمند و محروم از سعادت است:

«وَالشَّقِيُّ مِنَ الْخَدَعِ لِهَوَاهُ وَغُرُورِهِ» (خطبه / ۸۶).

ب) عوامل تأثیرگذار بیرونی: اولین عامل بیرونی تأثیرگذار بر ستمگری، قدرت‌طلبی است. در اندیشه علوی، کسی که پست و مقامی را تصاحب می‌نماید این قدرت را می‌یابد که در تجاوز و ستم به حقوق دیگران باکی نداشته باشد: «مَنْ نَالَ اسْتِطَالَ» (حکمت / ۲۱۶). «قدرت این امکان را به قدرت‌طلبان می‌دهد که تمایلات خود را هرگونه که بخواهند، ارضا نمایند، منافع مردم را به راحتی در پای مطامع خود قربانی کنند و به همه چیز تجاوز کنند؛ قدرت‌طلبی بستر سرکشی، قانون‌شکنی، تندى و تیزی و خردگریزی است» (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۱: ۱۴۲). حضرت امیر کارگزاران خود را هشدار می‌دهد که اگر روزی قدرت، آنان را به سوی ستم کردن بر مردم فرا خواند، در این موقع خدای سبحان را به یاد آورند که او بر کیفر دادن ستمکاران تواناست (خطبه / ۵۳؛ آمدی، ۱۳۶۶: ۴۵۷). دوّمین عامل بیرونی تأثیرگذار بر ستمگری، استفاده افراطی از مباح و آزادی است، و معمولاً کسانی که دارای زر و زور هستند از این آزادی سوء استفاده می‌نمایند و هنگامی که او تا آخرین مرز آزادی پیش برود، نفس سرکش، او را فریب می‌دهد تا از خط قرمز آزادی خارج شود و دست به ستمگری بزند. امام علی (علیه السلام) در این زمینه هشدار می‌دهد که: «به خود بیش از اندازه آزادی ندهید که شما را به ستمگری می‌کشاند» (خطبه / ۸۶). علامه خوئی منظور از رخصت و آزادی ندادن بیش از حد به نفس را به معنای عدم تساهل و تسامح با نفس دانسته است (خوئی، ۱۴۲۴ق، ج ۶: ۱۳۲).

## ۲-۱-۲-۲. آثار و پیامدهای سوء ظلم و ستم مدیران در جامعه

از تأمل در آیات الهی و روایات چنین بر می‌آید که ظلم و ستم بر بندگان خدا، پیامدهای ناگواری را در پی دارد؛ چرا که ستمگری در دنیا مایه نابودی، و در آخرت مایه هلاکت است:

«الظُّلْمُ فِي الدُّنْيَا بَوَارٌ وَفِي الْآخِرَةِ دَمَازٌ» (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۹۰).

با توجه به آموزه‌های علوی، آثار و پیامدهای ستمگری حاکمان و مدیران جامعه، از دو بعد دینی و دنیوی قابل بررسی است:



**الف) جنبه دینی و اخروی:** یکی از مهمترین پیامدهای ستمگری حاکمان جامعه، این است که ارزش‌ها و اعتقادات مسلمانان دگرگون شده و آن چه که با منافع آنان سازگار است در جامعه رخنه کرده، که به این وسیله نه تنها خود گمراه شده، بلکه باعث گمراهی دیگران نیز شده‌اند. در بیان امام علی (علیه السلام) چنین آمده است:

«وَإِنَّ شَرَّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ إِمَامٌ جَائِرٌ ضَلَّ وَضَلَّ بِهِ قَامَاتٌ سُنَّهُ مَأْخُودَةٌ وَأَحْيَاءٌ بَدَعَةٌ مُتْرَوِكَةٌ»  
 (خطبه / ۱۶۴).

در اندیشه علوی، زمانی می‌توان در جامعه، حدود الهی و نماز جمعه را بر پا داشت که پیشوای عادل در رأس حکومت باشد:

«لَا يَصْلِحُ الْحُكْمُ وَلَا الْحُدُودُ وَلَا الْجُمُعَةُ، إِلَّا بِإِمَامٍ عَدِلٍ» (مجلسی، ۱۳۹۷ق، ج ۹: ۲۵۶).

سخن امام علی (علیه السلام) بیانگر این واقعیت است که پیشوای ستمگر، صحنه را برای دینداران تنگ می‌نماید و حدود الهی، در زمان او تعطیل می‌شود و حتی اقامه نماز و مخصوصاً نماز جمعه، به تعطیلی کشیده می‌شود. امام صادق (علیه السلام) نیز، ضمن حرام دانستن ولایت والی ناحق و حتی متصدیان امور ایشان، پیامدهای سوء یک والی جائر را این چنین بیان می‌دارد: «پایمال شدن همه حق، زنده شدن همه باطل، ظهور کامل ظلم، جور و فساد، ابطال کتب و قتل انبیاء و مومنان، ویران شدن مساجد و تبدیل سنت خدا و احکام او» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۰ ق: ۳۴۷). یکی دیگر از پیامدهای مهم ستمگری از بعد دینی، هلاکت اخروی ستمکار است. مروری بر آیات الهی و روایات معصومین (علیهم السلام) و تأملی بر حال و روز سلاطین ستم پیشه گذشته، چنین برمی‌آید که عاقبت ظلم و ستم بر مردم، چیزی جز هلاکت اخروی نخواهد بود.

«وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونََ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا» (قرآن کریم ۱۰: ۱۳).

در اندیشه نبوی نیز، ستم به بندگان، همان ظلمات روز قیامت است

«إِيَّاكُمْ وَالظُّلْمَ: فَإِنَّ الظُّلْمَ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ الظُّلْمَاتُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (مجلسی، ۱۳۹۷ق، ج ۷۵: ۳۰۹).

و در اندیشه علوی نیز، ستمگران جامعه، هیچ وقت بوی بهشت را استشمام نمی‌نمایند:

«إِيَّاكَ وَالْجُورَ؛ فَإِنَّ الْجَائِرَ لَا يَرِيحُ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ» (محمدی‌ری شهری، ۱۳۸۱، ج ۳: ۳۳۶۴).

**ب) جنبه دنیوی:** سرتاسر جهان هستی، همه در پرتو عدالت و تعادل نیروها و قرار گرفتن هر چیزی در جای مناسب خود برقرار است و این را عقل سالم نیک می‌داند که اگر ذره‌ای از این مدار منحرف شوند رو به نیستی خواهند گذارد.



«بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ق، ج: ۴، ۱۰۳).

زندگی انسان‌ها بر روی کره خاکی نیز، باید بر اساس عدل استوار باشد و هر جا ظلم و ستمگری، سربلند کرد دیر یا زود، هم حکومت رو به زوال رفته (آمدی، ۱۳۶۶، ج: ۱، ۳۴۶). و هم امت، دُچار نابودی خواهد شد:

«الظُّلْمُ يُزِلُّ الْقَدَمَ، وَيَسْلُبُ النَّعْمَ وَيُهْلِكُ الْأُمَّةَ» (آمدی، ۱۳۶۶: ح ۱۷۳۴).

دومین پیامد ستمگری در جامعه که می‌توان در کلام امام علی (علیه السلام) به آن اشاره نمود، سایه افکندن رکود اقتصادی بر جامعه است. برآورده شدن نیازهای زندگی، در گرو اقتصاد سالم جامعه است و اقتصاد سالم نیز، جز در سازمان و حکومت عادل سر و سامان نمی‌یابد و در منظر حضرت امیر بهبود مادی جامعه از اهداف حکومت بوده (خطبه/ ۳۴). و اگر مدیرانی نالایق و ستم پیشه که جز به منافع خود و خویشان و دوستان خود نمی‌اندیشند بر تخت قدرت تکیه زنند، انتظاری جز اقتصاد ناسالم و در نتیجه رکود اقتصادی را نباید داشت:

«آفَةُ الْعُمَرَانِ جَوْرُ السُّلْطَانِ» (خوانساری، ۱۳۷۳، ج: ۳، ۱۰۹).

ابن خلدون در مقدمه کتاب خود چنین می‌نویسد: «باید دانست که تجاوز به اموال مردم، آنان را از به دست آوردن و باور کردن ثروت نومید می‌سازد؛ چه می‌بیند در چنین شرایطی، سرانجام هستی‌شان را به غارت می‌برند و آن چه به دست می‌آورند از ایشان می‌ربایند، و اگر مردم از به دست آوردن و تولید ثروت نومید شوند، از کوشش و تلاش در راه آن دست بر می‌دارند» (ابن خلدون، ۱۳۶۹: ۵۵۲). لذا در جوامعی که ظلم و ستم بر آن حاکم باشد مردم امنیت اقتصادی نخواهند داشت و در نتیجه وضع مردم آشفته خواهد گردید.

سومین پیامد ستمگری که می‌توان در کلام امام علی (علیه السلام) به آن اشاره نمود، تفرقه و از بین رفتن وحدت کلمه است. در اندیشه سیاسی علوی، آن چه که باعث می‌شود وحدت کلمه از بین برود و نشانه‌های ستم آشکار شود ستمکاری زمامدار بر رعیت است (خطبه/ ۲۱۶). زمانی که تفرقه بر وحدت غالب آید، هرج و مرج در جامعه پدیدار شده و اوضاع جامعه رو به پریشانی خواهد رفت.

## ۲-۱-۲-۲. راهکارهای پیشگیری از ستمگری

معالجه مرض ظلم و ستم بر دیگران به معجون مرکب علم و عمل است: اما راهکار پیشگیری از ظلم و ستمگری از جنبه علمی، تأمل در پیامدها و مفاسد دنیوی و دینی ظلم و ستمگری، و تأمل در آثار و فواید نیک عدالت‌محوری است. از جنبه عملی، مطالعه حکایت حاکمان عادل به عنوان الگوسازی

عملکرد آنان در جامعه از جمله عملکرد عادلانه امام علی (علیه السلام) در دوران زمامداری می‌باشد.

۱. علاج علمی: تأمل در روایات مربوط به مفسد ظلم و ستم، تأثیر به سزائی در پیشگیری از ستمگری به دیگران دارد. امام علی (علیه السلام) ستمگری به دیگران را از بزرگ‌ترین گناهان می‌داند و می‌فرماید:

«إِيَّاكَ وَالظُّلْمَ؛ فَإِنَّهُ أَكْبَرُ الْمَعَاصِي» (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۲۹۶).

در تعالیم معصومین (علیهم السلام) نه تنها بر عذاب اخروی ستمگران تأکید شده، بلکه یاری رسانندگان به آنان نیز مورد مذمت قرار گرفته‌اند و عذاب دنیوی و اخروی، دامان آن‌ها را نیز می‌گیرد. که به فرمایش پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله):

«الظُّلْمَةُ وَأَعْوَانُهَا فِي النَّارِ» (متقی هندی، ۱۴۱۹ق، ج ۳: ۵۲۴).

ستمکاران و یارانشان در آتشند.

و همچنین در حدیثی دیگر می‌فرمایند: «چون روز قیامت شود، منادی ندا دهد: کجا بید ستمگران و یاران آن‌ها؟ هر کسی که دواتی برای آنان لیفه کرده، یا سر کیسه‌ای را برای آنان بسته، یا قلمی برای آنان در مرکب فرو برده است، پس آنان را نیز با ستمکاران محشور کنید» (مجلسی، ۱۳۹۷ق، ج ۷۵: ۳۷۲). تأمل در آثار و نتایج نیک عدالت نیز، در پیشگیری از آلوده شدن زمامداران به ستمگری تأثیرگذار است. مروری بر روایات معصومین (علیهم السلام)، نشانگر آن است که در اسلام، به کمتر چیزی مانند عدالت بها و ارزش داده شده است؛ زیرا که در اندیشه سیاسی علوی، عدالت، عین زندگی است: «الْعَدْلُ حَيَاةٌ» (خوانساری، ۱۳۷۳، ج ۱: ۶۴). یعنی در پناه عدالت، انسان می‌تواند هم زندگی مادی، هم زندگی معنوی داشته باشد و حقوق همه کس و همه چیز رعایت گردد. به برکت عدالت حاکم، مردم احساس امنیت و آرامش می‌کنند و هر کس استحقاق هر چه را دارد به آن می‌رسد و در چنین جوامعی مردم، عدالت را مثل گرما و سرما در منازل خود احساس می‌نمایند. در سخنی زیبا و گهربار از امام صادق (علیه السلام) درباره‌ی عدالت آمده است که:

«الْعَدْلُ أَحْلَى مِنَ الشَّهَادِ وَالْعَيْنُ مِنَ الزَّيْدِ، وَأَطْيَبُ رِيْحًا مِنَ الْمِسْكِ» (کلینی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۴۷).

عدالت از عسل شیرین‌تر، و از کره نرم‌تر و از مشک خوشبوتر است.

از نظر امام علی (علیه السلام) آن اصلی که می‌تواند تعادل اجتماع را حفظ کند و همه را راضی نگه دارد، به پیکر اجتماع سلامت و به روح اجتماع آرامش بدهد، عدالت است. عدالت بزرگراهی است عمومی که همه را می‌تواند در خود بگنجانند و بدون مشکلی عبور دهد، اما ظلم و جور کوره راهی است که حتی فرد ستمگر را به مقصد نمی‌رساند» (مطهری، ۱۳۷۰: ۱۱۳). امام علی (علیه السلام) از عدالت به عنوان «قُرَّةَ عَيْنٍ» (روشنی

چشم) تعبیر می‌کند و می‌فرماید:

«وَإِنَّ أَفْضَلَ قَرَّةٍ عَيْنِ الْوَلَاةِ اسْتِقَامَةُ الْعَدْلِ فِي الْبِلَادِ وَظُهُورُ مَوَدَّةِ الرَّعِيَةِ» (نامه / ۵۳).

و همانا برترین روشنی چشم زمامداران، برقراری عدل در شهرها و آشکار شدن محبت مردم نسبت به رهبر است.

بر اساس رهنمودهای امام علی (علیه السلام) نتایج و ثمرات شیرین عدالت را می‌توان از دو منظر فردی و اجتماعی بررسی نمود: از مهمترین نتایج عدالت در حوزه‌ی فردی می‌توان به ترک ظلم اشاره کرد؛ چنان‌که حضرت امیر (علیه السلام) می‌فرماید:

«مِنْ لَوَازِمِ الْعَدْلِ التَّنَاهِي عَنِ الظُّلْمِ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۴۶۸)

. یکی از لوازم عدالت، ترک ظلم است.

دومین ثمره عدالت در رهنمودهای حضرت، جبران و اصلاح ظلم‌های گذشته است.

«لَا عَدْلَ أَفْضَلَ مِنْ رَدِّ الْمَظْلَمِ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۵۴۳).

هیچ عدلی برتر از جبران ستمکاری‌های گذشته نیست.

و سومین ثمره عدالت در حوزه فردی، آرامش رعیت در جامعه و شادمانی زمامدار است، که به فرمایش

حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام):

فَرَضَ اللَّهُ... وَالْعَدْلُ تَسْكِينًا فِي الْقُلُوبِ» (ابن بابویه، ۱۴۲۹ق.، ج ۳: ۵۶۷).

و امام (علیه السلام) نیز، در نامه مبارک خود به مالک اشتر، اجرای عدالت و برپایی آن در شهرها را برترین و بهترین چشم روشنی زمامدار می‌داند (نامه/ ۵۳). عدالت در حوزه اجتماعی نیز، نتیجه گسترش عدالت‌های فردی است که در جوامع، ظهور و بروز پیدا می‌کند و مبدأ اجرای عدالت در اجتماع می‌گردد. از مهمترین نتایج عدالت محوری در جامعه، می‌توان به استقرار دین و اجرای حدود الهی در جامعه اشاره کرد. چنان‌که حضرت امیر می‌فرماید:

«لَا يَصْلِحُ الْحُكْمُ وَلَا الْحُدُودُ وَلَا الْجُمُعَةُ إِلَّا بِإِمَامٍ عَدْلٍ» (مجلسی، ۱۳۹۷ق.، ج ۹: ۲۵۶).

حکومت و اقامه حدود و نماز جمعه، جز با پیشوای عادل درست نمی‌شود.

دومین ثمره عدالت در رهنمودهای حضرت، دوام و ثبات حکومت است:

«حُسْنُ السِّيَاسَةِ يَسْتَدِيمُ الرِّيَاسَةَ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۲۲۹).

و در بیانی دیگر:

«الْعَدْلُ جَنَّةُ الدُّوَلِ» (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۶۹). عدالت، سپر دولت‌هاست.

و سومین نتیجه عدالت‌گستری در جامعه، تأمین رفاه و آسایش مردم است. ریشه‌کن شدن آفاتی چون فقر، فحشا، اعتیاد، اشرافی‌گری و اسراف، همه از نتایج عدالت‌گستری است و نتیجه ریشه‌کن شدن چنین آفاتی، آسایش و رفاه مردم و آبادانی شهرها می‌باشد:

«فَضِيلَةُ السُّلْطَانِ عِمَارَةُ الْبُلْدَانِ» (خوانساری، ۱۳۶۰، ج ۴: ۴۲۲).

که این از اهداف اصلی سیاست علوی بوده:

«وَنُظْمَةُ الْإِصْلَاحِ فِي بِلَادِكُمْ» (خطبه/۱۳۱). و این اصلاح و بهبودی وضع مادی مردم، جز

در سایه عدالت تحقق نمی‌یابد (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۵۸۰۴).

۲- علاج عملی: مشاهده نمونه‌های عملی از جمله عملکرد عدالت‌محورانه امام علی (علیه السلام) در دوران زمامداریشان، برای پیشگیری از ستمگری، بسیار آموزنده، عبرت‌آموز و برانگیزاننده است. امام علی (علیه السلام) نماد عدالت و عین عدل است و مطالعه و تأملی در دوران زمامداری ایشان، این مسأله را به روشنی ثابت می‌کند که اجرای عدالت آن قدر برای امام (علیه السلام) مهم بود که حتی از اجرای آن در حق خویشاوندان نیز کوتاهی نمی‌کرد. در زمانی که یکی از فرمانداران امام (علیه السلام) مرتکب خیانت در بیت المال گردید، خطاب به ایشان چنین نوشتند: «سوگند به خدا! اگر حسن و حسین چنان می‌کردند که تو انجام دادی، از من روی خوش نمی‌دیدند و به آرزو نمی‌رسیدند تا آن که حق را از آنان باز پس ستانم و باطلی را که به ستم پدید آمده، نابود سازم» (نامه ۴۱). با برداش عقیل نیز که برای سهم خواهی بیشتر از بیت المال، پیش امام (علیه السلام) آمده بود، چنان برخوردی نمود که مایه عبرتی برای دیگران نیز شد (خطبه/۲۲۴). امام علی (علیه السلام) مصداق بارز عدل الهی، در حکومت عادلانه خود، حداقل نیاز معیشتی مردم را تأمین کرد و در راه فقرزدایی گام‌های جدی را برداشت. که در این زمینه، چنین می‌فرمایند:

« مَا أَصْحَبَ بِالْكَوْفَةِ أَحَدًا إِلَّا نَاعِمًا، وَإِنَّ أَدْنَاهُمْ مَنْزِلَةٌ لِأَكْلِ الْبُرِّ، وَجَلْسُ فِي الظِّلِّ وَشَرْبُ مِنْ مَاءِ الْفُرَاتِ » (ابن شهر آشوب، ۱۴۰۵ ق.، ج ۲: ۹۹).

کسی در کوفه نیست که در رفاه به سر نبرد، حتی پایین‌ترین افراد نان گندم می‌خورد و سرپناه دارد و از آب فرات می‌آشامد.

امام (علیه السلام) نه تنها خود در حکومت دینی، از هر گونه ستم به مردم مبرا بودند (خطبه/۱۲۶). بلکه اجازه ستم به رعیت را به والیان خود در مناطق مختلف نمی‌دادند و همواره به آنان هشدار می‌دادند که از ظلم به مردم پرهیز نموده و عدالت را سر لوحه کار خود قرار دهند (نامه/۵۳).

۲-۲-۲. خشونت‌ورزی مدیران و کارگزاران جامعه

دومین آسیب عمده‌ای که در حکومت با استناد به آموزه‌های علوی می‌توان به آن اشاره نمود، خشم و غضب افراطی مدیران است. حضرت امیر از خشم و غضب افراطی به عنوان بدترین اخلاق، «الْخُرْقُ شَرُّ خُلُقٍ» (خوانساری، ۱۳۷۳، ج ۱: ۲۰۰).

و زشت‌ترین چیزها «أَفْبَحُ شَيْءٍ الْخُرْقُ» (آمدی، ۱۳۶۶: ۲۶۵).

و آن را نوعی دیوانگی (حکمت/۲۵۵) می‌داند. در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) نیز، از خشم به عنوان کلید همه‌ی بدی‌ها نام برده شده است:

«الْغَضَبُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ» (مجلسی، ۱۳۹۷ق، ج ۴: ۲۶۳).

افراط در غضب آن است که قوه غضب چنان بر صاحبش مسلط شود که از اختیار عقل و شرع خارج گردد، در این صورت بصیرت از انسان سلب شده و قدرت تفکر از دست می‌دهد و از دیدن عبرت‌ها کور، و از شنیدن مواعظ کر می‌شود (شیر، ۱۳۸۶: ۲۴۸).

### ۲-۲-۱. عوامل خشم افروز

شناخت علل و عوامل خشم افروزی کمک می‌کند تا انسان نسبت به کنترل و درمان آن اقدام نماید و تا این علل شناخته نشود، مقابله با آن سخت خواهد بود. عوامل خشم‌افروزی در انسان از دو جنبه‌ی درونی و برونی قابل بررسی است: یکی از عوامل به وجود آورنده خشم افراطی در مدیران از جنبه‌ی درونی، وجود بعضی از خصلت‌های مذموم از جمله کبر و خودپسندی است که آن از تعصب جاهلانه برمی‌خیزد. هر گاه در حیطه مدیریتی، مسأله‌ای به وجود آید که کبر و غرور آنان را لطمه‌دار نماید چنان عکس‌العملی نشان می‌دهند که گویا دیگران برده و بنده او هستند و باید مطیع بی‌چون و چرای او باشند. امام علی (علیه السلام) در خطبه قاصعه، چنین می‌فرماید:

«وَقَدَحَتِ الْحَمِيَّةُ فِي قَلْبِهِ مِنْ نَارِ الْعَصَبِ» (خطبه/۱۹۲).

و تعصب، آتش خشم را در دلش شعله‌ور کرد.

در اندیشه علوی، کم‌خردی و کم‌عقلی نیز از عوامل تأثیرگذار بر تندخویی و خشونت است. امام (علیه السلام) هنگامی که ابن عباس را به فرمانداری بصره منصوب می‌کند به او توصیه می‌نماید که از خشم بیجا دوری گزیند که عامل آن سبک مغزی و تحریک شیطان است (نامه/۷۶). از جنبه بیرونی نیز، اولین عامل مهم خشونت‌ورزی، حب مال و مقام و دل سپردن به زرق و برق دنیاست. مدیران و کارگزاران در مواقعی که مقام و موقعیت و منافع خود را در معرض خطر می‌بینند، خود را به آب و آتش می‌زنند که آن را حفظ نمایند و برای همین به خشم می‌آیند و پرخاشگری می‌کنند. امام علی (علیه السلام) دنیا طلبی را عامل

خشونت و تندخویی معرفی می‌کند و می‌فرماید: «آگاه باشید! همانا این دنیا که آرزوی آن را می‌کنید و بدان روی می‌آورید و شما را گاهی به خشم می‌آورد و زمانی خشنود می‌سازد خانه ماندگار شما نیست» (خطبه/۱۷۳). دومیین عامل بیرونی خشونت‌ورزی مدیران، قدرت‌زدگی است. انسان موقعی دست به خشونت می‌زند که توان و قدرت انتقام را داشته باشد. امام علی (علیه السلام) در رهنمودهای خود، کارگزاران را از تندخویی و خشونت به واسطه داشتن قدرت و موقعیت سیاسی بر حذر داشته و آنان را سفارش به خوشرفتاری با مردم نموده است (نامه/ ۶۹ و ۵۱). امام (علیه السلام) در نامه تاریخی خود خطاب به مالک اشتر نیز، قدرت‌زدگی را عامل تندروی معرفی نموده و نجات از این مخمصه را توجه نمودن به قدرت عظیم پروردگار که برتر از همه قدرت‌هاست می‌داند که یک مسئول باید به این امر مهم توجه داشته باشد (نامه/ ۵۳).

### ۲-۲-۲-۲. آثار و پیامدهای ناشی از خشونت ورزی

در آموزه‌های دینی و به خصوص در اندیشه علوی، روایات زیادی در خصوص پیامدهای تندخویی و خشونت وارد شده است. نخستین پیامد ناشی از خشونت مدیران، دوری مردم از آنان به خاطر در امان ماندن از خشم مدیران و پراکندگی از اطراف او می‌باشد. خدای متعال در قرآن کریم، انسان‌ها را به خوشرفتاری با مردم دعوت نموده و از خشم و غضب افراطی بر حذر داشته و مدیر ارشد جامعه اسلامی را سفارش می‌نماید که هیچ وقت با مردم با تند خویی رفتار ننموده که پیامد آن تفرقه و پراکندگی امت خواهد بود (قرآن کریم ۳: ۱۵۹). در اندیشه علوی نیز، خشونت‌ورزی در سیاست، مردم را به گریز از سیاست و حکومت سوق می‌دهد.

مَنْ حَسُنَتْ عَرِيكَتُهُ أَفْقَرَتْ حَاسِبِيَّتُهُ « (خوانساری، ۱۳۶۰، ج ۵: ۳۲۵).

هر کس درشت خو باشد و خشنونت ورزد مردم از گرداگرد او بگریزند.

خشونت افراطی در انسان، ایمان انسان را نیز متزلزل می‌سازد، که در این خصوص، از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) منقول است که:

«الْعَصْبُ يُفْسِدُ الْإِيمَانَ كَمَا يُفْسِدُ الْحَلُّ الْعَسَلَ» (مجلسی، ۱۳۹۷، ق، ج ۷۳: ۲۶۷).

یکی دیگر از پیامدهای مهم خشونت‌ورزی در جامعه توسط کارگزاران حکومتی، این است که آنان عقل و خرد خود را که باید راهنمای اینان در مسائل حکومتی باشد از دست می‌دهند و همین عامل، باعث ضربه خوردن به بیکره اجتماع شده و آنان را از جاده صواب دور می‌سازد:

«الْعَصْبُ يُفْسِدُ الْأَلْبَابَ، وَيُبْعِدُ مِنَ الصَّوَابِ» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۲: ۱۱).

رواج ریاکاری و رنگ به رنگ شدن مردم در مقابل مدیران و کارگزاران جامعه نیز، از پیامدهای تندخویی و خشونت است که خطرناک‌ترین بیماری روحی برای آدمی است. رفتار تند به همراه ارباب و تهدید آنان، باعث می‌شود که عده‌ای، راه نجات از خشم زمامداران را، در ریاکاری بدانند. امام علی علیه السلام در خطبه معروف شقشقیه در شکوه از خلیفه مردم و ماجرای خلافت چنین می‌فرماید: «سرانجام اولی حکومت را به راهی درآورد و به دست کسی (خلیفه دوم) سپرد که مجموعه‌ای از خشونت، سخت‌گیری، اشتباه و پوزش طلبی بود. ... سوگند به خدا! مردم در حکومت دومی، در ناراحتی و رنج مهمی گرفتار آمده بودند و دچار دورویی‌ها و اعتراض‌ها شدند» (خطبه ۳). امام علی علیه السلام در این خطبه، یکی از پیامدهای خشونت را، «تَلَوْنُ» یعنی ریاکاری و رنگ عوض کردن دانسته که این عامل، باعث آسیب دیدن اخلاص در جامعه و بی‌محتوا شدن برنامه‌های اجتماعی می‌شود.

### ۲-۲-۲. راه‌های تعدیل خشم افراطی

وجود خشم و غضب در نهاد آدمی برای حفاظت از خود، خانواده، دین و وطن یک ودیعه الهی است. در جایی که غضب لازم است انسان باید از خود بروز دهد و در جایی که حلم لازم است انسان باید بتواند حلیم باشد و این تکلیف یک انسان مؤمن می‌باشد؛ لذا راه‌های تعدیل خشم و غضب افراطی مدیران و کارگزاران حکومتی، از دو جنبه نظری و عملی قابل بررسی است:

**الف) جنبه نظری:** تفکر و تأمل در روایات وارده در ذمّ غضب و مدح کظم غیظ، از بهترین راه‌های تعدیل خشم افراطی است که این بحث، از دو جنبه سلبی و ایجابی قابل بررسی است: از جنبه سلبی، بدون شک یکی از عوامل تعدیل خشم، تفکر در روایات وارده در ذمّ غضب است و فرد خشمگین باید متوجه باشد که اولین قربانی این آتش غضب، خود اوست. از امام صادق علیه السلام منقول است که:

«الْعَصَبُ نَارٌ مُوقَدَةٌ مِنْ كَظْمَةِ أَطْفَالِهَا وَمَنْ أَطْلَقَهُ كَانَ أَوَّلَ مُحْتَرَقٍ بِهَا» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۲:

۳۲۶).

همین کلام از امام علی علیه السلام نیز وارد شده است که:

«أَخَذَرُوا الْعَصَبَ فَأَنَّهُ نَارٌ مُحْتَرِقَةٌ» (آمدی، ۱۳۶۶: ۳۰۳).

از جنبه ایجابی نیز، می‌توان به تفکر در آیات و روایات وارده در مدح کظم غیظ و خوش رفتاری با مردم اشاره کرد. خدای متعال در قرآن کریم، فرو خوردن خشم را یکی از صفات نیکوکاران معرفی می‌کند و می‌فرماید:

«وَالْكَافِرِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (قرآن کریم ۳: ۱۳۴).



در اندیشه علوی نیز، کظم غیظ یکی از بهترین حالات انسان و به خصوص در هنگام قدرت داشتن و از گواراترین نوشیدنی‌ها معرفی شده است، چنانچه در نامه خود به فرزندش امام حسن (علیه السلام) درباره مدح کظم غیظ چنین می‌نویسد:

« وَتَجَرَّعِ الْعَيْظَ فَإِنَّ لِمَا رَجُرَعَهُ أَحْلَى مِنْهَا عَاقِبَةً، وَلَا أَلَدَّ مَعْبَةَ » (نامه ۳۱/).

و خشم را فرو خور که من جرعه‌ای شیرین تر از آن نوشیدم و پایانی گوارتر از آن ندیده‌ام. امام (علیه السلام) در دوران زمامداری خود، بارها استانداران و فرمانداران خود را (نامه ۲۷، نامه ۴۶، نامه ۵۳، نامه ۵۶، نامه ۶۹ و نامه ۷۶) و مأموران مالیاتی را (نامه ۲۵ و نامه ۲۶) به مدارا و مهربانی با مردم و رعیت و پرهیز از تندخویی و خشونت فرا خوانده است و تأمل و تفکر در این نامه‌های اخلاقی، سیاسی عامل مهمی برای تعدیل خشم مدیران حکومتی است. یادآوری روز قیامت و مسئولیت آدمی در پیشگاه خدای متعال نیز، از عوامل تعدیل خشم افراطی است که انسان را در بسیاری از صحنه‌ها یاری می‌رساند و باعث نجات انسان از آن مهلکه می‌شود. امام علی (علیه السلام) در نامه خود به مالک اشتر نخعی، ضمن سفارش ایشان به پرهیز از غرور، خشم، تجاوز و تندی زبان نسبت به مردم، یادآوری فراوان قیامت و بازگشت به سوی خدا را عامل مهمی برای کنترل خشم و مسلط شدن بر نفس چموش معرفی می‌کند (نامه ۵۳/).

ب) جنبه عملی: اولین علاج عملی برای کنترل خشم، شناخت ریشه‌ها و عوامل تهییج غضب و سعی و تلاش برای از بین بردن آن‌ها بوسیله اضداد می‌باشد. «علاج هر بیماری ریشه کن کردن ماده آن است و انگیزه‌های غضب عبارتند از: خودبینی، فخر و کبر و مکر و لجاج و مزاح و استهزاء و شدت حرص نسبت به مال و جاه و دنیای فانی و این‌ها همه اخلاق پست و هلاک کننده است و با وجود آن‌ها خلاصی از غضب ممکن نیست» (نراقی، بی تا، ج ۱: ۳۵۷). وقتی که این رذایل در وجود انسان با ریاضت و تحمّل مشقّت‌ها تبدیل به فضایل شد، انسان از غضبی که مولود آن‌هاست خلاصی می‌یابد (شبر، ۱۳۸۶: ۲۵۰). دومین راه علاج عملی و تضعیف خشم، الگو قرار دادن سیره نبوی و سیره علوی در معاشرت با مردم است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، آن قدر در رفتار و عملکرد خود نرم خو، مهربان و خوش رفتار بودند که خدای متعال پیامبرش (صلی الله علیه و آله و سلم) را اینگونه می‌ستاید:

«وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قرآن کریم ۶۸: ۴).

و قطعاً تو دارای خلق عظیمی هستی.

و در آیه‌ای دیگر، یکی از ویژگی‌های اخلاقی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را نرم خویی ایشان دانسته است:

«فَبَارِحْمَةً مِّنَ اللَّهِ لَئِن لَّمْ يَكُنْ لَّهُمْ» (آل عمران / ۱۵۹).

پس به برکت رحمت الهی با آنان نرم خو شدی. در سیره علوی نیز، بسیار شاهد نرم خوئی و خوش رفتاری امام علی (علیه السلام) با مردم و گذشت و انعطاف ایشان با خطاکاران هستیم. امام علی (علیه السلام) در توطئه مردم بصره و پیمان شکنی آنان، جرم آنان را بخشید، شمشیر را از فراریان برداشت و استقبال کنندگان از دین اسلام را پذیرفت و از گناه آنان چشم پوشید» (نامه/۲۹).

### ۲-۲-۳. دروغ‌گویی و فریب‌کاری

دروغ‌گویی و فریب‌کاری کالای رایج دنیای سیاست امروز است. که متأسفانه در حکومت دینی هم، این آسیب سیاسی رواج پیدا کرده است. در اندیشه سیاسی امام علی (علیه السلام) سیاست مبتنی بر دروغ و فریب، سیاستی جاهلی و غیر اخلاقی است. ایشان پس از جنگ صفین در توصیف منطبق پوچ سیاسی عمرو عاص و تبلیغات ناروای او چنین می‌فرمایند:

«أَمَا وَشَرُّ الْقَوْلِ الْكَذِبُ إِنَّهُ يُقُولُ فِي كَذِبٍ وَيَعِدُ فَيُخْلَفُ» (خطبه/۸۴).

مردم آگاه باشید! بدترین گفتار دروغ است، او سخن می‌گوید پس دروغ می‌بندد، وعده می‌دهد و خلاف آن مرتکب می‌شود.

دروغ از گناهان بزرگ و سرچشمه تمام بدی‌ها و زشتی‌ها می‌باشد، که به فرمایش امام حسن عسگری (علیه السلام):

«جَعَلَتْ الْجَنَائِثُ كُلَّهَا فِي يَدَيْهِ وَجَعَلَ مِفْتَاحَهَا الْكَذِبُ» (مجلسی، ۱۳۹۷ ق، ج ۷۲: ۲۶۳).

جميع اعمال خبیثه در خانه‌ای است و کلید آن دروغ است.

### ۲-۳-۱. علل و انگیزه‌های دروغ‌گویی

با تأمل در آموزه‌های علوی، انگیزه‌های دروغ‌گویی در مدیران را می‌توان از دو بعد درونی و بیرونی بررسی نمود: از انگیزه‌های درونی دروغ، دنیاطلبی است، عده‌ای برای این که به متاع اندک دنیوی از جمله مال و مقام برسند، دست به دامن دروغ می‌شوند تا به این وسیله به آن دست یابند. امام علی (علیه السلام) علت دروغ‌گویی عمرو عاص را بخل و حب مال و مقام می‌داند و می‌فرماید: «او (عمرو عاص) سخن می‌گوید، پس دروغ می‌بندد، وعده می‌دهد و خلاف آن مرتکب می‌شود، درخواست می‌کند و اصرار می‌ورزد، اما چیزی از او بخواهند، بخل می‌ورزد» (خطبه/۸۴). از انگیزه‌های بیرونی دروغ، فریب دادن مردم برای رسیدن به مطامع و خواسته‌هایشان است. شیطان برای آن که بتواند به خواسته خود درباره‌ی حضرت آدم برسد؛ یعنی او را منحرف نماید، متوسل به نیرنگ شد و به دروغ قسم یاد کرد که من

خیرخواه شما هستم و به این ترتیب آنان را فریب داد (قرآن کریم ۷: ۲۲-۲۰). برخی از سیاستمداران دنیاطلب نیز، طرح واقعی خود را برای حکومت پنهان می‌سازند و با نشان در باغ سبز و فریب‌کاری، مردم را به بیعت می‌کشانند یا در انتخابات به هر وسیله‌ای، توسل می‌جویند تا برنده انتخابات شوند و به همین دلیل، قول‌های فریبنده به مردم می‌دهند. امام (علیه السلام) هرگز به این فریب‌کاری‌ها روی نیاورد و در اولین سخنرانی خود پس از بیعت مردم مدینه، فرمود:

«ذِمَّتِي بِمَا أَقُولُ رَهِيْنَةً وَأَنَا بِهَذَا زَعِيمٌ» (خطبه/۱۶).

آن چه می‌گویم، به عهده می‌گیرم و خود به آن پایبندم.

ایشان در یکی از سخنرانی‌های خود پس از جنگ صفین، درباره‌ی سیاست دروغین و فریب‌کارانه معاویه چنین می‌فرماید: «سوگند به خدا! معاویه از من سیاستمدارتر نیست، اما معاویه حيله‌گر و جنایت‌کار است. اگر نیزنگ ناپسند نبود، من زیرک‌ترین افراد بودم، ولی هر نیزنگی، گناه و هر گناهی، نوعی کفر و انکار است» (خطبه/۲۰۰). این اندیشه سیاسی امام (علیه السلام) و همه پیروان آن حضرت می‌باشد که سیاست مبتنی بر دروغ و فریب، سیاستی غیر اخلاقی و غیر انسانی است.

### ۲-۲-۲. آثار و پیامدهای دروغگویی

از آن جا که دروغ بر خلاف فطرت پاک و شخصیت والای انسان و حرکتی غیر عادی است، اگر از هر کسی به خصوص از مدیران جامعه بروز نماید امری ناپسند و مبدأ هر انحراف و گمراهی در جامعه است؛ لذا آثار و پیامدهای فراوانی برای فرد و جامعه به دنبال دارد که در آموزه‌های دینی، این آثار و پیامدهای دروغگویی از دو بعد فردی و اجتماعی قابل بررسی است: یکی از پیامدهای فردی دروغ پردازی در جامعه، رسوایی فرد دروغگو در جامعه و در صورت توبه نمودن، عذاب آخرت در انتظار اوست. انسان دروغگو هر چه بخواهد که دروغش پنهان بماند و برملا نشود دیر یا زود آشکار می‌شود و در چنین زمانی رسوایی به بار خواهد آورد. در اندیشه علوی، نتیجه دروغ، خواری در دنیا و عذاب در آخرت است:

«تَمْرُهُ الْكِذْبُ الْمَهَاتَةُ فِي الدُّنْيَا وَالْعَذَابُ فِي الْآخِرَةِ» (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۳: ۳۳۲).

ایشان در کلامی دیگر می‌فرمایند:

«وَإِنَّ الْبُغْيَ وَالزُّورَ يُؤْنِغَانِ الْمَرْءَ فِي دِينِهِ وَدُنْيَاهُ» (نامه/۴۸).

همانا ستمگری و دروغ پردازی، انسان را در دین و دنیا رسوا می‌کند.

پیامد دیگر دروغگویی از بعد فردی که می‌توان به آن اشاره نمود: بی ارزش شدن سخنان دروغگو نزد

مردم است. از آن جا که زبان و بیان از نعمت‌های الهی و مهمترین سرمایه انسان و موجب امتیاز او از جانداران است که خدای متعال به او ارزانی داشته است:

«وَلِسَانًا وَشَفْتَيْنِ» (بلد/۹).

و از منظر نبوی نیز، تمام زیبایی انسان در زبان است:

«الْجَمَالُ فِي اللِّسَانِ» (لسان الملك، ۱۳۸۱: ج ۴، ۲۱۸۴).

مسئلاً مراد از آن زبان، زبانی است که مطالب ارزشی و اخلاقی از آن صادر گردد. مدیران و کارگزاران جامعه به خاطر ارتباط با مردم، بوسیله همین زبان و گفتار، بیشتر در معرض خطر هستند و یکی از خطرات مهم همین زبان و بیان، دروغ‌گویی است و دروغ ایشان اگر در بین مردم آشکار شود و به دروغ‌گویی در جامعه شهرت پیدا کند ارزش سخن خود را از دست خواهد داد. امام جعفر صادق (علیه السلام) از حضرت عیسی (علیه السلام) نقل می‌کند که:

«مَنْ كَثُرَ كَذِبُهُ ذَهَبَ بَهَاؤُهُ» (کلینی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۳۴۱).

کسی که دروغش بسیار شود نورش می‌رود.

شاید مقصود از رفتن نور انسانی، همان رفتن ارزش سخن انسان، نزد مردم باشد. از پیامدهای اجتماعی دروغ‌گویی مدیران جامعه، سلب اعتماد عمومی است. از آن جا که مهمترین پشتوانه دولت و حکومت در هر عصر و زمانی، اعتماد عمومی مردم به آن است و اگر بر این اعتماد، خدشه وارد شود هم دولت و هم مردم متضرر خواهند شد؛ لذا کسی که بوسیله دروغ‌هایش، مورد بی اعتمادی مردم قرار گیرد دیگر انتظار موفقیتی را از او نباید داشت. که در بیان حضرت امیر «کسی که خود را مسلمان می‌داند، شایسته است که از سر و کار داشتن با دروغ پرهیزد؛ زیرا دروغگو کارش را به جایی می‌رساند که سخن راستش را نیز کسی باور نمی‌کند» (کلینی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۳۴۱). یکی دیگر از اثرات زیانبار اجتماعی دروغ کارگزاران و مدیران دولتی، خیانت به مردم است؛ چرا که او به وسیله دروغ، منافی را برای خود جلب می‌کند و اگر به آن برسد در واقع نوعی خیانت و ظلم به جامعه است، که در اندیشه علوی: «الْكَذِبُ خِيَانَةٌ» (مجلسی، ۱۳۹۷ق، ج ۶۹: ۲۶۱). دروغ، خیانت است. و در اندیشه نبوی نیز، دروغ‌گویی، خیانت بزرگی است که انسان به برادرش سخنی بگوید که او سخن تو را راست بداند در حالی که تو دروغ گفته باشی» (غزالی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۲۷۵؛ وژام، بی تا، ج ۱: ۱۱۴).

## ۲-۳-۲. راهکارهای پیشگیری از دروغ‌گویی

با عنایت به آموزه‌های علوی در نهج البلاغه و در روایات معصومین (علیهم السلام)، راهکارهای پیشگیری از

دروغ‌پردازی کارگزاران و مدیران دولتی، دارای دو بعد علمی و عملی است؛ بعد علمی به بیان پیامدهای ناگوار دروغ‌پردازی و تأمل و تفکر در روایات وارده در مذمت دروغ و بیان نتایج و ثمرات صدق و راستی اشاره دارد و بعد عملی به رفتار و عملکرد پیشوایان دینی به عنوان الگوی مدیران جامعه اشاره دارد.

**الف) بعد علمی:** بیان پیامدهای دنیوی و اخروی دروغ‌پردازی در جامعه، اولین راهکار مهم پیش‌گیری از دروغ‌پردازی از جهت علمی است. پیامدها و آثار سوء دروغ‌گویی در جامعه فراوان است، زیرا هیچ کالایی در عصر سیاست، کمیاب‌تر از صدق و راستی و فراوان‌تر از دروغ نیست و به بیان امام علی (علیه السلام):

« أَقْلُ شَيْءٍ الصَّدْقُ وَالْأَمَانَةُ أَكْثَرُ شَيْءٍ الْكِذْبُ وَالْحَيَانَةُ » (محمّدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۱، ج ۱۱: ۵۱۲۰).

ایشان در بیانی دیگر در اهمیت پرهیز از دروغ، می‌فرماید: از دروغ برکنار باشید که با ایمان فاصله دارد. راستگو در راه نجات و بزرگواری است؛ اما دروغگو بر لب پرتگاه هلاکت و خواری است (خطبه ۸۶). تأمل در این روایات، مسلماً انسان را از آلوده شدن به دروغ‌گویی باز می‌دارد. بیان نتایج و ثمرات صدق و راستی نیز، دومین راهکار مهم پیش‌گیری از دروغ‌پردازی از جهت علمی است. از آن‌جا که دروغ از زشت‌ترین چیزها است.

« أَقْبَحُ شَيْءٍ الْإِفْكَ » (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۱۸۷).

در مقابل آن، صدق و راستی از پاک‌ترین و شریف‌ترین چیزها در وجود آدمی است:

« الصَّدْقُ فَضِيلَةٌ » (خوانساری، ۱۳۷۳، ج ۱: ۳۰).

مسأله صدق و راستی در زندگی، آن قدر مهم است که حتی خوب بودن انسان، به نماز و روزه او بستگی ندارد، بلکه به صدق و راستی او وابسته است. امام صادق (علیه السلام) در این زمینه می‌فرماید: «نظر به طول رکوع و سجود کسی نکنید و به آن غزه نشوید، زیرا می‌شود این امری باشد که به آن معتاد شده باشد و به این جهت نتواند ترک کند و لیکن نظر به صدق و کلام و امانت‌داری او کنید و به این دو صفت، خوبی او را دریابید» (مجلسی، ۱۳۹۷ق، ج ۷۱: ۸). جرج جرداق مسیحی، صدق و راستی در زندگی را محور گردش قانون و اساس زندگی، و کذب و دروغ را مرگ می‌داند (جرج جرداق، ۱۳۷۵: ۲۰۳-۲۰۰). لذا در سایه صدق و راستی، زندگی معنا پیدا می‌کند و حتی پایه‌های دولت به وسیله صدق و راستی و شفافیت حاکمان و زمامداران جامعه، محکم می‌شود و اعتماد عمومی به حکومت جلب می‌شود. در اندیشه سیاسی علوی، در زیر چتر دروغ و فریب‌کاری، انواع فساد و تباهی‌های سیاسی شکل می‌گیرد:

« الْكِذْبُ فَسَادُ كُلِّ شَيْءٍ » (خوانساری، ۱۳۷۳، ج ۱: ۲۸۱)؛



ولی در پناه صداقت و راستگویی حاکمان، امور مردم اصلاح، و کارها سامان می‌یابد:

«الْصِّدْقُ صَلَاحُ كُلِّ شَيْءٍ» (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۶: ۲۸۱).

ب) بعد عملی: تنها راهکار پیشگیری از دروغ‌پردازی در بعد عملی می‌توان به رفتار و عملکرد پیشوایان دینی به عنوان الگوی زمامداران جامعه اشاره کرد. سیاستی که امام علی علیه السلام دنبال کرده سیاستی مبتنی بر صداقت و راست‌گویی بوده است:

«وَاللَّهِ مَا كَذَبْتُ وَشِمَّةً، وَلَا كَذَبْتُ كَذِبَةً» (خطبه / ۱۶).

به خدا سوگند! کلمه‌ای از حق را نپوشاندم، هیچ گاه دروغی نگفتم.

امام علی علیه السلام نه تنها خود التزام عملی به صداقت و راستی دارد، بلکه یکی از شرایط هر امام و رهبر جامعه را راست‌گویی می‌داند و می‌فرماید:

«فَلْيَصِدْقُ رَأْدًا أَهْلُهُ» (خطبه / ۱۵۴).

پس باید امام و راهنمای مردم، به مردم راست بگوید.

صداقت، رکن اساسی سیاست امام علیه السلام بود و کارگزاران خود را سفارش می‌کرد که برای جلوگیری از بدگمانی مردم به عملکرد آن‌ها، با صراحت با آنان صحبت نمایند و با مردم بر اساس قاعده «اصحار» (شفاف‌سازی) عمل نمایند که این قاعده، امروز در عصر ما رخت بر بسته است؛ در حالی که در اندیشه سیاسی علوی، اصحار حقایق بر مردم، آنان را از بدگمانی به حکومت باز می‌دارد (نامه / ۵۳).

### نتیجه‌گیری

امروزه، بیش از هر زمانی، در تمام حکومت‌های دینی و غیر دینی، بحران اخلاقی در عرصه سیاست، نمود بیشتری دارد و برای رهایی از این بحران اخلاقی در یک حکومت دینی، چاره‌ای جز روی آوردن به یک الگو و منبع مهمی که خطا در آن نباشد، الزامی است. گذشته از قرآن کریم، نهج البلاغه سرشار از مسائل مهم مدیریتی چه در اصول ایجابی و چه در اصول سلبی است. لذا در این پژوهش، شاخص‌ترین آسیب‌ها و آفات اخلاق سیاسی مدیران و کارگزاران، در سه متغیر تأثیرگذار در جامعه یعنی: ظلم و بی عدالتی، خشونت‌ورزی، دروغ‌گویی و فریب‌کاری در اندیشه و سیره علوی با تأکید بر نهج البلاغه، مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است، که هر کدام از این آسیب‌ها در یک نظام سیاسی، منشأ تباهی‌های مختلف می‌شود و اگر جامعه و حکومت به این موانع و آسیب‌ها توجه کافی نکند، این آسیب‌ها

می‌توانند حرکت تکاملی رو به رشد و توسعه را سد نموده و نارضایتی و بی‌اعتمادی را در جامعه به وجود آورند و حتی دین و ایمان مردم را نیز به مخاطره اندازند. این سه آفت تأثیرگذار در جامعه، با استفاده از چارچوب نظری محقق نراقی مورد بررسی قرار گرفته است؛ یعنی ابتدا مشاهده بحران در جامعه و سپس شناخت عوامل به وجود آورنده آن و در ادامه جایگزین نمودن یک آرمان در جامعه جهت حل مشکل به وجود آمده می‌باشد. که از منظر نهج‌البلاغه مهمترین بحران در هر حکومتی، ظلم و بی‌عدالتی بوده که می‌تواند پایه‌های حکومت اسلامی را در جامعه لرزان نموده و اعتقاد مردم را نیز به مبانی حکومت اسلامی متزلزل سازد، که در اندیشه و سیره سیاسی علوی، جایگزین نمودن عدالت به جای ستمگری، مهمترین آرمان هر حکومتی است که حتی از جود و بخشش نیز برتر است. در آموزه‌های علوی، نه تنها قوام و پایداری عالم بر اساس عدل الهی است؛ بلکه قوام حکومت‌ها نیز بر اساس عدالت حاکمان در جامعه است. دومین آسیب جدی مدیران و کارگزاران جامعه، خشونت‌ورزی نسبت به مردم بوده که در اندیشه علوی، خشونت مدیران که از قدرت نشأت می‌گیرد، یکی از بدترین خصلت‌های سیاسی در جامعه است، که گریز مردم از سیاست و حکومت، و رواج ریاکاری در میان رده‌های پایین مدیریتی، از پیامدهای خطرناک خشونت‌ورزی است، که علاج آن جایگزین نمودن خوش‌رفتاری و نرم خوئی به عنوان مهمترین آرمان در جامعه است. دروغ‌گوئی و فریب‌کاری نیز، از سیاست‌های غیراخلاقی و غیرانسانی در آموزه‌های علوی است که آن، بدترین گفتار است و متأسفانه کالای رایج تمام حکومت‌ها بوده تا به این وسیله، عملکرد ضعیف خود را بیوشانند و همین امر باعث شکل‌گیری تباهی‌های سیاسی در جامعه می‌شود؛ اما در مقابل، صداقت و راستگوئی در اندیشه و سیره علوی، جزو اهداف حکومت و از لوازم اجتناب‌ناپذیر سیاست است که مدیر جامعه باید پایبند به آن باشد تا در پناه آن، کار مردم سامان یابد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، ۱۳۸۷ ش، امام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ترجمه: محمد دشتی، چاپ ششم، قم: مؤسسه‌ی بوستان کتاب.
۳. آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶ ش، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، تحقیق: مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات.
۴. آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۳ ق، معجم الفاظ غررالحکم و درر الکلم، تحقیق مصطفی درایتی، چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۵. ابن ابی جمهور، محمد بن زین‌الدین، ۱۴۰۵ ق، عوالی النالی العزیزیه، قم: مطبعة سیدالشهداء.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۲۹ ق، من لایحضره الفقیه، تصحیح و تحقیق: علی اکبر غفاری، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۷. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، ۱۳۶۹ ش، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، چاپ هفتم، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۸. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی، ۱۴۰۰ ق، تحف العقول عن آل الرسول (علیهم السلام)، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران: کتاب فروشی اسلامیة.
۹. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۱۴۰۵ ق، مناقب آل ابی طالب، قم: انتشارات علامه.
۱۰. ابن فارس، ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریا، ۱۳۸۹ ق، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، چاپ دوم، مصر: قاهره.
۱۱. ارسطو، ۱۳۷۱ ش، سیاست، ترجمه: حمید عنایت، چاپ سوم، تهران: انتشارات سهند.
۱۲. افلاطون، ۱۳۷۴ ش، جمهور، ترجمه فؤاد روحانی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۱۳. جرداق، جورج، ۱۳۷۵ ش، امام علی (علیه السلام) صدای عدالت انسانی، ترجمه: سید هادی خسروشاهی، چاپ دوم، قم: نشر خرم.
۱۴. جعفری، محمد تقی، ۱۳۷۳ ش، حکمت اصول سیاسی اسلام، چاپ دوم، قم: بنیاد نهج البلاغه.
۱۵. خوانساری، جمال‌الدین محمد، ۱۳۷۳ ش، شرح غررالحکم و درر الکلم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۹۱ ش، تفسیر موضوعی نهج البلاغه، قم: دفتر نشر معارف.



۱۷. دژاکام، علی، ۱۳۷۷ش، *تفکر فلسفی غرب* (از نظر استاد شهید مرتضی مطهری)، قم: موسسه فرهنگی اندیشه‌ی معاصر.
۱۸. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *مفردات الفاظ قرآن*، تحقیق: صنوان عدنان داوودی، چاپ اول، دمشق: دارالقلم.
۱۹. شبّر، سید عبدالله، ۱۳۸۶ش، *اخلاق*، ترجمه محمدرضا جباران، چاپ دوازدهم، قم: انتشارات هجرت.
۲۰. غزالی، ابوحامد محمد، ۱۳۶۸ش، *احیاء علوم‌الدین*، ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۱. طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۸ش، *مجمع البحرین*، تحقیق: سید احمد حسینی، چاپ سوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۲. سپهر، محمدتقی، ۱۳۸۱ش، *ناسخ‌التواریخ*، به اهتمام جمشید کیانفر، چاپ اول، تهران: انتشارات اساطیر.
۲۳. لیثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶ش، *عیون‌الحکم و المواعظ*، تحقیق: حسین، حسنی بیرجندی، چاپ اول، قم: دارالحديث.
۲۴. فیضی، کریم، ۱۳۹۳ش، *تفسیر موضوعی نهج‌البلاغه* (برگرفته از آثار علامه جعفری)، قم: نشر معارف.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۷۲ش، *اصول کافی*، ترجمه: محمدباقر کمره‌ای، قم: انتشارات اسوه.
۲۶. متقی هندی، علی بن حسام‌الدین بن عبدالملک، ۱۴۱۹ق، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، محقق: محمود عمر دمیاطی. بیروت: دارالکتب العلمیه
۲۷. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۳۹۷ ق، *بحار الانوار*، طهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۸. محمدی‌شهری، محمد، ۱۳۸۱ش، *میزان‌الحکمه*، ترجمه: حمیدرضا شبخی، چاپ سوم، قم: دارالحديث.
۲۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۰ش، *سیری در نهج‌البلاغه*، چاپ هشتم، تهران: انتشارات صدرا.
۳۰. نراقی، ملا احمد بن محمد مهدی نراقی، ۱۳۸۴ش، *معراج‌السعاده*، چاپ سوم، قم: انتشارات قائم آل محمد (علیه السلام).

۳۱. نراقی، محمدمهدی بن ابی‌ذر فاضل نراقی، بی‌تا، *جامع السعادات*، ترجمه: سید جلال‌الدین مجتبوی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات حکمت.
۳۲. نوری، حسین بن محمدتقی، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم: موسسه آل‌البيت (علیه السلام) الاحیاء التراث.
۳۳. وژام، مسعودبن عیسی، بی‌تا، *تنبيه الخواطر و نزهة النواظر*، قم: مکتبه الفقیه.
۳۴. هاشمی خوئی، میرزا حبیب‌اله، ۱۴۰۰ق، *منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه*، طهران: مکتب الاسلامیه.

#### مقالات

۳۵. رضائی، قدرت‌الله، ۱۳۸۹ش، «آسیب‌شناسی اخلاق سیاسی کارگزاران از منظر نهج البلاغه»، *فصلنامه پژوهشی در اخلاق*، شماره ۷ و ۸.
۳۶. فائق، مجتبی، ۱۳۹۳ش، «آسیب‌شناسی اخلاق سیاسی کارگزاران حکومت از دیدگاه نهج البلاغه»، *فصلنامه پژوهش‌های نهج البلاغه*، شماره ۴۳، صص ۱۴۳-۱۶۰.

#### منابع انگلیسی

۳۷. فرهنگنامه آکسفورد، ۱۳۸۴ش، واژه pathology، چاپ اول، بی‌تا: انتشارات دانش پرور
38. [https://www.civilica.com/PaperTAFTIAUMAAREF01TAFTIAUMAAREF01\\_047.html](https://www.civilica.com/PaperTAFTIAUMAAREF01TAFTIAUMAAREF01_047.html): مقاله COI